

غدیر از منظر عالمان اهل سنت □ ۱۴۱

## غدیر از منظر عالمان اهل سنت\*

دکتر سید عسکری حسینی مقدم

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

### چکیده

یکی از حوادث مهم و بزرگ تاریخ اسلام، حادثه غدیر است. این حادثه بزرگ که در اواخر عمر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رخ داده است، منشأ بسیاری از حوادث، تحولات، گرایش‌ها، فرهنگ‌ها، عقاید و ایده‌ها گردید. در طول ۱۴۰۰ سال گذشته، محققان و اندیشه‌مندان بسیاری، به پژوهش و تجزیه و تحلیل و بررسی این واقعه تاریخی پرداخته‌اند. پایه همه این بررسی‌ها بر فرض صحت و تحقق حادثه غدیر استوار است. آیا حادثه غدیر ساخته و پرداخته شیعیان است؟ آیا حادثه غدیر در گفتار دیگران آمده است؟ و دهها سؤال دیگر.

در این گفتار مختصر، به یکی از این جوانب، یعنی غدیر از منظر عالمان و منابع اهل

سنت پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: غدیر، حدیث غدیر، حادثه غدیر خم.

## مقدمه

با بعثت پیامبر اکرم، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تحولی بزرگ در جهان بشریت ایجاد شد؛ تحولی که از جنبه‌های مختلف، جهان را تحت تأثیر قرار داد و در زمانی کوتاه از منطقه مکه و مدینه، (از زادگاه اصلی خود) خارج شد و سراسر جهان را فراگرفت و به عنوان یک فرهنگ برجسته، مورد توجه جهانیان قرار گرفت.

بی‌تردید تحولی که ظهور اسلام در جهان بشریت ایجاد کرده است، در نوع خود بی‌نظیر بوده است؛ همان طوری که ادیان بزرگ گذشته نیز در ظرف زمانی خود، تحولی بزرگ ایجاد کرده‌اند. امتیازات و برجستگی‌های دین اسلام سبب شد تا تحولات آن نیز بیشتر و گسترده‌تر باشد و با فاصله‌ای کوتاه، مورد توجه و قبول انسان‌های علاقه‌مند قرار گیرد و از محدوده جزیره‌العرب خارج شده، به امپراتوری ایران و رم برسد.

لحظه لحظه حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خاطره و تحول است. اولین خاطره، نزول قرآن کریم بود که با آیه شریفه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» آغاز شد و سپس هر روز شاهد حوادث و تحولات بسیاری بوده‌ایم که شمارش آن از این گفتار خارج است. هر یک از آن حوادث، فرهنگی بسیار ارزشمند در بر دارد و شایسته است محققان درباره آن تحقیق کنند و آثار نو و جدید آن را معرفی نمایند.

یکی از این حوادث مهم و با ارزش و ماندگار - که در اواخر عمر آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رخ داده است - حادثه غدیر خم بود که منشأ بسیاری از حوادث بعدی گردیده است. گویی حادثه غدیر، حادثه‌ای بس عظیم و بزرگ بوده است که با درخشش آن، تحولی بزرگ در انقلاب کبیر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایجاد شده است. تا قبل از حادثه غدیر، بسیاری تصور می‌کردند با رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رشد و توسعه و گسترش اسلام در ابعاد متعدد بسته خواهد شد و همچون ادیان بزرگ

غدیر از منظر عالمان اهل سنت □ ۱۴۳

گذشته، دین اسلام نیز به نقطه پایان خواهد رسید و دوران رکود و انحطاط آن آغاز خواهد شد و دین جدید که دوران شکوفایی خود را در زمان حیات آن حضرت آغاز نموده است، بعد از سال‌ها به یک دین متروک و کهنه تبدیل خواهد شد؛ ولی حادثه غدیر، افق جدیدی در برابر دین اسلام گشود. آری اگر این حادثه تحقق نمی‌یافت، دین اسلام نیز مانند ادیان گذشته به سر حد کمال نمی‌رسید و نمی‌توانست به عنوان یک دین جاودانی معرفی گردد، زیرا بدخواهان و دشمنان برای رحلت آن رسول خدا، لحظه‌شماری می‌کردند و خیال می‌کردند با رحلت آن حضرت، دین اسلام نیز چون ادیان گذشته، به نقطه پایان خواهد رسید و آن‌گاه دوران قهقرایی و رکود را طی خواهد کرد و با گذشت زمان، بسیاری از احکام آن از بین خواهد رفت و جز نام، چیزی از دین جدید باقی نخواهد ماند.

با اعلام عمومی جمله معروف «من کنت مولاه فعلی مولاه» توسط پیامبر اسلام ﷺ که بعد از اجتماع عمومی مسلمانان جهان در مجمع و کنگره بین‌المللی حج انجام گرفت، سرفصل جدیدی در دین اسلام گشوده شد و دین اسلام وارد مرحله تازه و نویی شد که در ادیان گذشته، سابقه نداشت؛ چه اینکه با حرکت این رودخانه بزرگ فرهنگ غنی اسلام، همه انسان‌ها از آن سیراب خواهند شد.

آری، حادثه غدیر، کامل‌کننده حادثه بزرگ بعثت پیامبر اکرم ﷺ است و به همان اندازه تأثیرگذار و بارز است. اگر حادثه غدیر نمی‌بود، خاتمیت دین اسلام مورد اشکال و ایراد بود؛ زیرا لازمه خاتمیت دین، استمرار آن است. دینی که در یک نقطه زمانی به پایان برسد، نمی‌تواند دین کامل، فراگیر و دائمی باشد؛ قطاری که نقطه پایان داشته باشد و در یک مسیر خاص و زمان خاص حرکت کند، نمی‌تواند همه مسافران را به مقصد برساند؛ رودخانه‌ای که در یک زمان و مکان خاص جاری باشد، نمی‌تواند همه مزارع و دشت‌ها را سیراب کند.

اگر شیعه اصرار بر ترویج فرهنگ غدیر دارد، تنها برای حمایت از یک فرد یا افرادی خاص نیست. شاید بعضی خیال کنند شیعه به علت تعصب بی‌جا، از یک فرد یا افرادی حمایت می‌کند و دل‌باخته آنان است. جدای از دل‌باختگی و علاقه‌مندی، به اعتقاد محققان و دانشمندان شیعه، اسلام بدون غدیر، ابتر و ناقص است.

حادثه غدیر، از زوایا و ابعاد گوناگون قابل بحث و تحقیق است؛ زیرا این حادثه بزرگ، آغاز و منشأ بسیاری از حوادث بعدی بوده است. ما در این گفتار به بررسی یکی از این زوایا می‌پردازیم: «غدیر از منظر عالمان و منابع اهل سنت». برخی از جوانان خیال می‌کنند حدیث غدیر تنها توسط محدثان و عالمان شیعه مطرح شده است و گویی این ساخته و پرداخته عالمان شیعه است و در منابع حدیثی اهل سنت مطرح نشده است؛ تا جایی که برخی خیال کرده‌اند حدیث غدیر افسانه‌ای بیش نیست و شیعیان آن را طراحی کرده‌اند. برای رفع این ابهام، محققان شیعه زحمات بسیاری متحمل شده‌اند که از جمله آنان، علامه امینی مؤلف کتاب گرانسنگ *الغدیر* است؛ لذا با توجه به آنچه گذشت، از این فرصت استفاده می‌شود و گزارش مختصری در مورد حدیث غدیر در منابع اهل سنت با استفاده از منابع معتبر و اصلی آنان تقدیم می‌گردد. امید است این اثر ناچیز، در نزد خداوند متعال و مولی‌الکونین علی‌السلام مورد قبول واقع شود.

### الف) موقعیت جغرافیایی غدیر خم

«غدیر خم» نام ناحیه‌ای است در میان مکه و مدینه که بر سر راه حجاج قرار دارد. غدیر خم نام محلی است که به سبب وجود برکه‌ای در این محل - که در آن

آب باران جمع می‌شده است - به «غدیر خم» شهرت یافته است. غدیر در ۳ تا ۴ کیلومتری جحفه واقع شده و جحفه در ۶۴ کیلومتری مکه قرار دارد که یکی از میقات‌های پنج‌گانه است. در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می‌شود. غدیر خم به علت وجود مقداری آب و چندین درخت کهنسال، محل توقف و استراحت کاروان‌ها واقع می‌شد، اما با این همه، دارای گرمایی طاقت‌فرسا و شدید بود (دائرةالمعارف و یکی پدیا، ذیل کلمه «غدیر» / ابن خلکان، ۱۳۹۷، ج ۵، ص ۲۳۱ / لسان العرب، ذیل کلمه «غدیر»).

فاصله مکه تا مدینه حدود ۵۰۰ کیلومتر است. در ۲۷۰ کیلومتری مکه، سرزمین رابغ قرار دارد که در گذشته بیابان بوده است، ولی امروزه شهرکی است و در کنار جحفه، یکی از میقات‌های حج قرار دارد. فاصله جحفه تا مکه حدود ۲۵۰ کیلومتر و تا رابغ ۲۶ کیلومتر است. در رابغ برکه آبی قرار دارد که بدان غدیر خم می‌گویند؛ از این رو به آن غدیر خم گفته‌اند که آب آن قابل استفاده نیست؛ زیرا خم به معنی هر چیز فاسد و بدبوست؛ لذا چون آب آن بدبو و غیر قابل استفاده بود، بدان غدیر خم گفته‌اند (حموی، ۱۹۷۹، م، ج ۲، صص ۱۱۱ و ۳۸۹ / طریحی، ۱۴۰۸، ق، ج ۱، ص ۷۰۴).

### ب) حدیث غدیر خم

در آغاز لازم است گزارش مختصری از حدیث خم ارائه شود.

در سال دهم هجری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت مراسم باشکوه حج را با مسلمانانی که از نقاط مختلف جزیره العرب آمده بودند، برگزار کند. بسیاری از مسلمانانی که توانایی انجام فریضه حج را داشتند، برای حج خانه خدا مشرف شدند. مراسم باشکوه و بی‌نظیر حج در آن سال با حضور به یاد ماندنی آن

حضرت ﷺ و جمع بسیاری از مسلمانان برگزار شد. از آنجایی که این حج، آخرین حج آن رسول خدا بود، به حجة‌الوداع معروف شد. بعد از پایان مراسم حج، پیامبر خدا ﷺ و بسیاری از مسلمانانی که از شهرهای دیگر مشرف شده بودند، تصمیم به بازگشت نمودند و با انبوهی از مسلمانان حجگزار از مکه خارج شدند. در بازگشت، به منطقه جحفه رسیدند و وارد سرزمین رابع شدند. در رابع برکه آبی است که به آن غدیر خم می‌گویند.

در روز پنج‌شنبه، ۱۸ ذی‌الحجه، جبرئیل امین بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مانده: ۶۷) را تلاوت کرد\* (ر.ک. به: واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸ ق، ص ۱۳۵ / حاکم حسکانی، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۰۰ / ابن کثیر، ۱۹۹۲ م، ج ۲، ص ۱۵ / خطیب بغدادی، [بی تا]، ج ۸، ص ۲۹۰).

از ظاهر این آیه شریفه فهمیده می‌شود: مأموریت بزرگی به پیامبر ﷺ محول شده است و در ابلاغ آن باید تسریع کند و از هیچ کوششی دریغ نرزد؛ این پیام آن‌قدر بزرگ و مهم است که مساوی با رسالت و بعثت آن حضرت شمرده شده است و ابلاغ نکردن آن، برابر با عدم اجرای رسالت نبوت به حساب آمده است. گویی تمام زحمات ۲۳ ساله آن پیامبر همام به ابلاغ این پیام مهم وابسته است.

پیامبر اکرم ﷺ برای ابلاغ این پیام بزرگ به کاروان‌ها دستور توقف داد و

---

\* ای رسول ما! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شد، به مردم برسان و اگر این کار را انجام ندهی، رسالت خود را به انجام نرسانده‌ای و خداوند تو را از مردم ایمن نخواهد کرد. همانا خداوند گروه کافر را هدایت نمی‌کند.

کاروان‌ها و همراهان آن حضرت در منطقه غدیر خم (مکانی که مصر، عراق، مدینه و حضر موت و تهامه از هم جدا می‌شد) فرود آمدند. از نظر استراتژیکی این منطقه بهترین محل برای ابلاغ پیام به همه همراهان آن حضرت بود؛ زیرا بعد از این نقطه، مسیر قبایل و کاروان‌ها از هم جدا می‌شد. اجتماع بزرگی در آن بیابان ایجاد شد. همه مردم در تعجب و شگفتی بودند که چه مطلب و حادثه مهمی رخ داده است که آن حضرت دستور به توقف و اجتماع مسلمانان داده است.

از جهاز شتران، منبری برای آن حضرت درست کردند. نزدیک ظهر، آن حضرت بر بالای منبر رفت و خطبه خواند. حضرت بعد از حمد خداوند، از شرف نفس و بدی اعمال به خداوند پناه برد و بر یگانگی خداوند و رسالت محمد - بنده خدا - شهادت داد و از نزدیک شدن رحلت خود و اجابت دعوت حق سخن گفت و در ادامه فرمود: من در میان شما دو میراث گرانبها به امانت می‌گذارم. یکی از آن دو که بزرگ‌تر است، کتاب خداست و دیگری که کوچک‌تر است، عترت و خاندان من است و سپس فرمود: «ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟ قالوا: الله و رسوله اعلم. قال: ان الله مولای و انا مولی المؤمنین و انا اولی بهم من انفسهم فمن کنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»؛ ای مردم چه کسی نسبت به مؤمنان از خود آنان سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: خدا مولا و سرپرست من است و من مولا و سرپرست مؤمنانم و من نسبت به مؤمنین از خود آنان سزاوارترم؛ پس هر کس، من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست اوست (حضرت این جمله را سه بار تکرار کرد و در حدیث امام احمد حنبلی آمده است که حضرت این جمله را چهار بار تکرار کرد).

۱. سپس فرمود: خدا یا! دوستی کن با هر کس که با علی دوستی کند و دشمنی کن با هر کس که با علی دشمنی کند؛ و آن‌گاه در حق آن حضرت دعا کرد (طبرانی، [بی تا]، ج ۵، ص ۱۶۶ / امینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱ / یعقوبی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۱۰ / نسائی، [بی تا]، ج ۵، ص ۴۵ / مسعودی، [بی تا]، ص ۲۲۱ / ابن عساکر، ۱۹۹۵، ج ۱۳، ص ۶۹ و ج ۱۸، ص ۱۳۸).

۲. هنگامی که خطبه پیامبر ﷺ پایان یافت، جبرئیل امین دوباره نازل شد و آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) را قرائت کرد: امروز دین را بر شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم اسلام، دین شما باشد.

بعد از پایان خطبه، آن حضرت در خیمه‌ای نشست و فرمود: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در خیمه‌ای دیگر بنشینند؛ حضرت رو به اصحاب فرمود: به دیدار علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بشتابید و مقام ولایت را به او تبریک بگویید. بر این اساس، اصحاب و مسلمانان، گروه گروه، نزد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شتافتند و با آن حضرت بیعت کردند؛ از جمله آنان عمر بن خطاب، ابوبکر، عثمان، طلحه و زبیر بودند. عمر نیز جمله معروف «بخ بخ یابن ابی طالب اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه» را بیان کرد.\*

پس از پایان تهنیت و تبریک و بیعت صحابه با علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، پیامبر اکرم ﷺ در مراسمی، تاجگذاری علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را انجام داد و عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، بر سر آن حضرت نهاد و فرمود:

۳. «یا علی! العمامه تیجان العرب»: عمامه تاج عرب است. آن‌گاه فرمود: فرشتگانی که در روز بدر و حنین به یاریم آمدند، این‌گونه عمامه داشتند (ابن خلکان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۰ و ج ۲، ص ۲۳۲ / امینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۷ / حاکم حسکانی، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۰۹ / بیهقی، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۱۴).

\* خوشا به حال ای فرزند ابوطالب! تو مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن هستی.



### ج) حادثه غدیر خم در منابع اهل سنت

قبل از بررسی حدیث غدیر در منابع اهل سنت و از منظر عالمان سنی، شایسته است اصل حادثه غدیر مورد بررسی تاریخی قرار گیرد تا مشخص شود آیا چنین حادثه‌ای در سال دهم هجری در منطقه غدیر خم رخ داده است یا خیر؟ زیرا بسیاری از منتقدان، اصل حادثه غدیر را قبول ندارند و آن را ساخته و پرداخته عالمان شیعه می‌دانند؛ و حدیث غدیر نیز وابسته به اصل حادثه غدیر است. وقتی اصل حادثه مورد اشکال و ایراد باشد، خود حدیث غدیر نیز مبنایی نخواهد داشت (هیثمی، ۱۴۰۵، ص ۶۴ / طبری، ۱۴۱۵، ج ۶ ص ۴۱۶ / ابن حزم، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۲۴).

حادثه غدیر خم، توسط بسیاری از عالمان بزرگ اهل سنت ذکر شده و در کتب معتبر آنان نیز بیان شده است و ما از باب نمونه، به تعدادی از این منابع معتبر اشاره می‌کنیم:

۱. ابوداود طیالسی متوفای ۲۰۴ هـ در کتاب *مسند ابوداود* حادثه غدیر خم را مطرح کرده، داستان عمامه‌گذاری حضرت علی ع را بیان داشته است (طیالسی، [بی‌تا]، ص ۲۳).

۲. امام احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هـ در کتاب *مسند* و کتاب «فضائل الصحابه» حادثه غدیر را ذکر کرده است (احمد بن حنبل، [بی‌تا]، ج ۱، صص ۸۴، ۸۸ و ۱۱۸).

۳. بلاذری (احمد بن یحیی) متوفای ۲۷۹ هـ از مورخان بزرگ اهل سنت در کتاب *انساب الاشراف*، با چند سند، از براء بن عازب و ابوهریره و زید بن ارقم و ابن عباس و بریده بن الحصیب و ابوسعید خدری در ضمن پنج حدیث معتبر، حدیث غدیر را نقل کرده است (بلاذری، [بی‌تا]، ص ۱۰۸ - ۱۱۳).

۴. ابن ماجه (محمد بن یزید قزوینی) متوفای ۲۷۵ هـ ق از فقها و محدثان بزرگ اهل سنت و یکی از نویسندگان صحاح سته در کتاب سنن ابن ماجه به سندش از براء بن عازب روایت می‌کند: با پیامبر ﷺ در حج الاسلام بودیم، در بین راه، پیامبر ﷺ فرود آمد و دستور به نماز جماعت داد. سپس دست علی رضی الله عنه را گرفت و فرمود: «هذا ولی من انا مولا» (ابن ماجه، [بی تا]، ج ۱، ص ۴۳).

۵. حاکم نیشابوری (محمد بن محمد نیشابوری) متوفای ۴۰۵ هـ ق از محدثان و فقهای بزرگ اهل سنت، در کتاب معروف المستدرک، با چند سند معتبر از زید بن ارقم، حادثه غدیر خم را بیان کرده و در پایان نوشته است: این حدیث صحیح است؛ و به عنوان شاهد، چهار حدیث دیگر نیز در تأیید آن نقل می‌کند (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۰۹).

۶. واحدی (ابوالحسن علی بن احمد واحدی) متوفای ۴۶۸ هـ ق از مفسران بزرگ اهل سنت، در کتاب اسباب النزول می‌نویسد: آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» در حجة الوداع، در سال دهم هجری نازل شد؛ او در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...» به سند خودش از ابوسعید خدری روایت می‌کند که این آیه در روز غدیر خم در مورد علی رضی الله عنه نازل شده است (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸، صص ۱۲۶ و ۱۳۵).

۷. نسائی (ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی) متوفای ۳۰۳ هـ ق از محدثان بزرگ اهل سنت و یکی از نویسندگان صحاح سته و مؤلف کتاب السنن الکبری به سندش از زید بن ارقم و ابوطفیل، حادثه غدیر را بیان کرده است (بیهقی، [بی تا]، ج ۵، صص ۴۵، ۱۳۰ و ۱۳۲).

وی همچنین در کتاب خصائص امیرالمؤمنین حادثه غدیر را نقل کرده است (نسائی، [بی تا]، صص ۹۳ و ۹۶).

۸. یاقوت حموی متوفای ۶۲۶ هـ ق از مورخان بزرگ اهل سنت در کتاب *معجم البلدان* در ذیل کلمه «خم» به حادثه غدیر خم اشاره کرده، می‌نویسد: خم، بیابانی است در بین مکه و مدینه در نزدیکی جحفه که در آن برکه [غدیر] قرار دارد و پیامبر ﷺ در آنجا خطبه خواند (حموی، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۳۸۹).
۹. بیهقی (احمد بن الحسین) متوفای ۴۵۸ هـ ق از محدثان بزرگ اهل سنت، در کتاب *السنن الکبریٰ* حادثه غدیر را نقل کرده و موضوع عمامه‌گذاری آن حضرت را بیان کرده است (بیهقی، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۱۴).
۱۰. هیثمی (نورالدین هیثمی) متوفای ۸۰۷ هـ ق از محدثان و فقهای بزرگ و معروف اهل سنت در کتاب *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، واقعه غدیر را با چند سند معتبر از *رباح الحارث*، *زید بن ارقم*، *ابوطیفیل*، *سعید ابن وهب*، *زید بن یثیع*، *عبدالرحمن بن ابی لیلی*، *ابوهریره*، *ابن عمر*، *ملک بن حویرث*، *ابن جناده* و... نقل کرده است (هیثمی، [بی تا]، ج ۹، ص ۱۰۴-۱۰۹).
۱۱. نووی متوفای قرن هشتم هجری در کتاب *شرح صحیح مسلم* در توضیح جمله «ماء یدعی خمّا بین مکه و المدینه» به واقعه غدیر اشاره کرده است (نووی، [بی تا]، ج ۱۵، ص ۱۸۰).
۱۲. احمد بن ابی یعقوب متوفای ۲۸۴ هـ ق از مورخان بزرگ اهل سنت، در کتاب *تاریخ یعقوبی*، حادثه غدیر را ذکر کرده است (یعقوبی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۱۲).
۱۳. مسعودی متوفای ۳۴۵ هـ ق از مورخان بزرگ در کتاب *التبیه و الاشراف* حادثه غدیر را بیان کرده است (مسعودی، [بی تا]، ص ۲۲۱).
۱۴. حاکم حسکانی متوفای قرن پنجم از مفسران بزرگ اهل سنت در کتاب *شواهد التنزیل* در ذیل آیه شریفه «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» و آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ...» حادثه غدیر را نقل کرده است (حاکم حسکانی، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۳۹).

۱۵. جلال‌الدین السیوطی متوفای ۹۱۱ هـ از محدثان و مفسران بزرگ اهل سنت در تفسیر الدر المنثور از ابوسعید خدری روایت کرده که آیه شریفه «بَلَّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» در غدیر خم در مورد علی بی ابیطالب ع نازل شده است (سیوطی، [بی تا]، ج ۲، صص ۲۵۹ و ۲۹۸).

### سایر منابع

- حادثه غدیر خم در بسیاری از کتب اهل سنت مطرح شده و ما از باب نمونه پانزده مورد را بیان کردیم و در ادامه سایر منابع را به اختصار مطرح می‌کنیم:
۱۶. ابوجعفر اسکافی متوفای ۲۲۰ هـ ق در کتاب المعیار و الموازنه، صص ۷۱، ۲۱۰، ۲۱۴ و ۳۱۱.
۱۷. ابن ابی شیبیه متوفای ۲۳۵ هـ ق در کتاب المصنف، ج ۷، صص ۴۹۵ و ۵۰۲.
۱۸. عمرو بن ابی عاصم متوفای ۲۸۷ هـ ق در کتاب السنه، ص ۵۹۳.
۱۹. ابن حیان متوفای ۷۳۹ هـ ق در صحیح ابن حیان، ج ۱۵، ص ۳۷۶.
۲۰. سلیمان بن احمد طبرانی متوفای ۳۶۰ هـ ق در المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۶۴ و در کتاب المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۰۸، ج ۲، صص ۲۷۵ و ۳۶۹، ج ۴، ص ۱۷ و ج ۵، صص ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۹۲ و ۲۰۴.
۲۱. ابن ابی الحدید متوفای ۶۵۶ هـ ق در شرح نهج البلاغه، ج ۲، صص ۵۹ و ۲۸۸ و ج ۳، ص ۲۰۸.
۲۲. زرنندی حنفی (جمال‌الدین محمد بن یوسف) متوفای ۷۵۰ هـ ق در کتاب نظم درر المسمطین، ص ۹۳.
۲۳. جمال‌الدین زبعلی متوفای ۷۶۲ هـ ق در نصب الرایه، ج ۶، ص ۴۹۹ و کتاب سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۷۵.

۲۴. ابن الدمیاطی متوفای ۶۴۳ هـ در کتاب *المستفاد من ذیل تاریخ بغداد*، ج ۲، ص ۱۲۹.
۲۵. ابوالمحاسن متوفای ۷۶۵ هـ در کتاب *الاکمال فی سند الامام احمد*، ص ۶۶۴.
۲۶. ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ هـ در کتاب *تهذیب التهذیب*، ج ۲، ص ۱۵۵، ج ۷، ص ۲۹۶، ج ۸، ص ۱۰۶ و کتاب *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۳۸۷، ج ۲، صص ۳۱۲ و ۳۷۹ و ج ۵، ص ۱۰۰ و کتاب *تعجیل المنفعه*، ص ۴۶۴ و کتاب *الاصابه*، ج ۲، صص ۱۴ و ۱۴۰ و ج ۳، صص ۴۸۱ و ۴۸۴ و ج ۴، صص ۲۲۷، ۳۰۱ و ۴۶۷.
۲۷. حاجی خلیفه متوفای ۱۰۶۷ هـ در کتاب *كشف الظنون*، ج ۲، ص ۱۶۷۲.
۲۸. حافظ اصفهانی متوفای ۴۳۰ هـ در کتاب *ذکر اخبار اصبهان*، ج ۱، صص ۱۰۷، ۱۲۶ و ۲۳۵.
۲۹. عبدالرحیم بن حسین عراقی متوفای ۸۰۶ هـ در کتاب *الاربعین العشاریه*، ص ۱۳۰.
۳۰. هیشمی (علی ابن ابوبکر) متوفای ۸۰۷ هـ در کتاب *موارد الظمان الی زوائد ابن حیان*، ص ۵۴۴.
۳۱. متقی هندی (علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین) متوفای ۹۷۵ هـ در کتاب *کنز العمال*، ج ۱۳، صص ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۴ و ۱۵۷.
۳۲. قرطبی (محمد بن احمد) متوفای ۶۷۱ هـ در *تفسیر قرطبی*، ج ۶، ص ۶۱.
۳۳. ابن کثیر (اسماعیل) متوفای ۷۷۴ هـ در کتاب *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۲، ص ۱۵.

۳۴. ابی‌عاصم (عمرو بن ابی‌عاصم) متوفای ۲۸۷ ه‍.ق در کتاب اسنه، صص ۵۹۳ و ۶۳۰.
۳۵. المناوی (محمد بن عبدالرئوف) متوفای ۱۳۳۱ در کتاب فیض القدير، ج ۶، ص ۲۸۲.
۳۶. شوکانی (محمد) متوفای ۱۲۵۰ ه‍.ق در فتح القدير، ج ۲، ص ۶۰.
۳۷. خطیب بغدادی (ابوبکر احمد بن علی) متوفای ۴۶۳ ه‍.ق در تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۹۴ و ج ۷، ص ۳۸۹.
۳۸. ابن عساکر (ابوالقاسم) متوفای ۵۷۱ ه‍.ق در کتاب تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، صص ۶۹ و ۷۰ و ج ۱۸، ص ۱۳۸.
۳۹. ابن اثیر (علی) متوفای ۶۳۰ ه‍.ق در کتاب اسدالغابه، ج ۱، صص ۳۰۸ و ۳۶۷ و ج ۲، ص ۲۳۲.
۴۰. ابن النجار بغدادی (ابوعبدالله محمد بن محمود) متوفای ۶۴۳ ه‍.ق در کتاب ذیل تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۰.
۴۱. ابن سعد (محمد بن سعد) متوفای ۲۳۰ ه‍.ق در طبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۲۰.
۴۲. عصفری (خلیفه بن خیاط) متوفای ۲۴۰ ه‍.ق در تاریخ خلیفه، ص ۳۶۱.
۴۳. بخاری (ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری) متوفای ۲۵۶ ه‍.ق در کتاب تاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۳۷۵.
۴۴. عقیلی (محمد بن عمرو عقیلی) متوفای ۳۲۲ ه‍.ق در کتاب الضعفاء الکبیر، ج ۳، ص ۲۷۱.
۴۵. ابن خلدون متوفای ۸۰۸ ه‍.ق در کتاب العبر معروف به تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴۶. ابن مزاحم منقروی متوفای ۲۱۲ هـ ق در کتاب *واقعة الصفین*، ص ۳۳۸.  
۴۷. ابن قتیبہ دینوری در کتاب *الاستغاثہ*، ج ۲، ص ۶۳.  
۴۸. ذہبی متوفای ۷۴۷ هـ ق در کتاب *میزان الاعتدال*، ج ۲، صص ۳۹۶ و ۶۴۰ ج ۳، ص ۲۹۴.

منابعی که ذکر شد، تنها بخشی از منابع معتبر اهل سنت بود که حادثه غدیر در آن مطرح شده است. دانشمندان بزرگ سنی که حادثه غدیر را بیان کرده‌اند، از گروه‌های مختلف بوده‌اند: برخی از آنان محدث، بعضی مورخ، گروهی مفسر، جمعی سیره‌نویس و تعدادی از اهل لغت و بخشی از فقهای بزرگ بوده‌اند؛ لذا حادثه غدیر فقط از یک طبقه و یک گروه، نقل نشده است. از این مطلب به دست می‌آید که: حادثه غدیر، علی‌رغم دشمنی‌های فراوان گروهی از افراد لجوج و کم‌خرد، آن قدر حادثه مهم و مورد توجه عام و خاص بوده است که گروه‌های مختلفی از علما آن را بیان کرده‌اند. با نیم‌نگاهی بدان درمی‌یابیم، حادثه غدیر از حوادث مسلم تاریخ اسلام است که انکار آن جز از روی عناد و غرض‌ورزی، هیچ دلیل دیگری نخواهد داشت؛ زیرا درخشش حادثه غدیر همچون آفتاب عالم‌تابی است که جز ناپینایان و ناهلان و خفاشان، کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. ما در این گفتار به بیش از پنجاه منبع معتبر و دست اول از منابع اهل سنت - که حادثه غدیر در آن مطرح شده است - اشاره کردیم.

آیا با این فرض می‌توان گفت حادثه غدیر، افسانه‌ای بیش نیست؟ و این مسئله، ساخته و پرداخته شیعیان است؟ چه اینکه این مسئله از چنان وضوح و روشنی‌ای برخوردار است که بسیاری از دانشمندان برجسته و بزرگ اهل سنت آن را از روایات متواتر دانسته‌اند و بعضی از این دانشمندان، این حادثه را با چندین روایت و چندین سند، از صحابه بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که در بخش بعدی، مطرح خواهد شد.

### د) حدیث غدیر خم در منابع اهل سنت

حدیث غدیر خم، از احداث نادر و کمیابی است که بر خلاف تصور بسیاری از افراد ناآگاه یا مغرض، در بسیاری از منابع و کتاب‌های معتبر اهل سنت آمده است. برخی از محدثان بزرگ اهل سنت، حدیث غدیر را با بیش از بیست سند، از صحابه بزرگ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند؛ به طوری که تنها با مطالعه احادیثی که در این منابع آمده است، انسان به تواتر آن یقین پیدا می‌کند؛ و این جدای از منابع معتبر شیعه است که به طور گسترده، این حدیث مطرح شده است. نکته قابل توجه اینکه بیشتر محدثان اهل سنت این حدیث را نقل کرده‌اند. ما در این گفتار با توجه به محدودیت نوشتاری، به برخی از این احادیث به طور گذرا اشاره می‌کنیم:

۱. احمد بن حنبل (امام فرقه حنابله) متوفای ۲۴۱ هـ در کتاب مسند به طور گسترده به بیان حدیث غدیر پرداخته است. وی در جلد اول کتابش، بیش از دوازده حدیث با چندین سند از صحابه بزرگ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را روایت کرده است. در این احادیث بیش از سی تن از صحابه بر صحت غدیر شهادت داده‌اند؛ از جمله آن افراد، سعید بن وهب، زید بن یثیع، زاذان بن عمر، ابوطیفیل، عبدالرحمن بن ابی لیلی، براء بن عازب، زید بن ارقم، ابونعیم، ریاح بن حرث و ابویوب انصاری است.

عطیه کوفی می‌گوید: از زید بن ارقم خواستم حدیثی در شأن و منزلت علی عَلِيٍّ در روز غدیر بگویند، گفت: ما در جحفه با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازوی علی عَلِيٍّ را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» (احمد بن حنبل، [بی تا]، ج ۱، صص ۸۴، ۸۸ و ۱۱۸، ج ۴، صص ۳۸۱ و ۲۷۰، ج ۵، ص ۴۱۹).

۲. ابوجعفر اسکافی معتزلی متوفای ۲۲۰ هـ در کتاب المعیار و الموازنه



حدیث غدیر را از احادیث متواتر در بین مسلمانان قلمداد کرده است و در جواب کسانی که معتقدند: منظور حدیث، دوستی حضرت علی علیه السلام است نه ولایت او، می‌گوید: اول حدیث و آخر آن، این سخن را باطل می‌کند؛ زیرا در آغاز حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الست اولى بالمؤمنين من انفسهم؟» آیا من از مؤمنان به خودشان نزدیکتر نیستم؟ همین طور در آخر حدیث می‌فرمایند: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»: خداوندا دوست بدار کسی که علی را دوست می‌دارد و دشمنی کن با کسی که با علی علیه السلام دشمنی می‌کند. جدای از این، تبریک عمر به علی علیه السلام که با جمله «بخ بخ» آغاز شده بود، بر آن دلالت دارد (اسکافی، [بی‌تا]، ص ۲۶).

۳. ابن شیبیه کوفی متوفای ۲۳۵ هـ در کتاب المصنف، حدیث غدیر را با چندین سند، از ابویوب انصاری، سعد بن ابی وقاص، بریده، جابر بن عبدالله انصاری، ابوهریره، عبدالله بن شداد، ابن عباس، ریاح بن حارث، براء بن عازب و زید بن یشیع با عبارت «من كنت مولاه فعلى مولاه» در بیش از ده حدیث آورده است (ابن ابی شیبیه کوفی، [بی‌تا]، ج ۷، صص ۴۹۵ و ۵۰۲).

۴. ابی عاصم ضحاک متوفای ۲۸۷ هـ در کتاب اسنه بیش از ۳۳ حدیث با سند خودش از زید ابن ارقم، ابن عباس، ابن عمرو، عبدالله بن بریده، ابویوب انصاری، جابر بن عبدالله انصاری، ابوهریره، سعد بن ابی وقاص، ابوسعید و... آورده است و حدیث غدیر را با عبارت «من كنت مولاه فعلى مولاه» نقل کرده است. او در ادامه می‌گوید: حدیث غدیر، حدیث صحیحی است که از سوی گروهی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. ابن عاصم همچنین برخی از احادیث را با چند سند نقل کرده و سند آنها را جزء سلسله احادیث صحیحہ بیان نموده است (ضحاک، ۱۴۱۲ ق، صص ۵۵۲، ۵۹۰-۵۹۶).

- وی همچنین در کتاب *اللاحاد و المثنی*، حدیث غدیر را با چند سند از صحابه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است (ضحاک، [بی تا]، ج ۴، ص ۳۲۵).
۵. ترمذی (محمد بن عیسی) متوفای ۲۷۹ هـ ق از محدثان برجسته اهل سنت و یکی از نویسندگان صحاح سته در کتاب *سنن ترمذی*، حدیث غدیر را با چند سند از زید بن ارقم، ابوطیفیل و ابی سریحه نقل کرده است (ترمذی، [بی تا]، ج ۵، ص ۲۹۷).
۶. ابن ماجه (محمد بن یزید قزوینی) متوفای ۲۷۵ هـ ق یکی از نویسندگان صحاح سته و از محدثان بزرگ اهل سنت، در دو مورد حدیث غدیر را با عبارت «من كنت مولاة فعلى مولاة، هذا ولي من انا مولاة» بیان کرده است (ابن ماجه، [بی تا]، ج ۱، صص ۴۳ و ۴۵).
۷. ابن قتیبه (امام ابومحمد عبدالله بن مسلم) متوفای ۳۷۶ هـ ق در کتاب *تأویل مختلف الحدیث*، حدیث غدیر را نقل کرده است (دینوری، [بی تا]، صص ۱۴ و ۴۴).
۸. نسائی شافعی (ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب) متوفای ۳۰۳ هـ ق از محدثان معروف اهل سنت در کتاب *السنن الکبری حدیث غدیر* را با چندین سند، در بیش از پانزده حدیث از صحابه بزرگ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است (بیهقی، [بی تا]، ج ۵، صص ۴۵ و ۱۰۸).
- وی همچنین در کتاب *خصائص امیرالمؤمنین*، حدیث غدیر را از طرق مختلف به طور گسترده بیان کرده است (نسائی، [بی تا]، صص ۵۰، ۶۴، ۹۲-۹۵ و ۱۰۰-۱۳۲).
۹. ابوداؤد طیالسی متوفای ۲۰۴ هـ ق از محدثان برجسته اهل سنت با چهار سند، حدیث غدیر و داستان عمامه‌گذاری او را از ابوراشد حبرانی آورده است (طیالسی، [بی تا]، ص ۲۳).
۱۰. بیهقی (احمد بن حسین بن علی) متوفای ۴۵۸ هـ ق در کتاب *السنن الکبری با پنج سند*، حدیث غدیر و داستان عمامه‌گذاری علی عَلَيْهِ السَّلَام را بیان نموده است (بیهقی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۴).

۱۱. طبرانی (سلیمان بن احمد) متوفای ۳۶۰ هـ از محدثان معروف و برجسته اهل سنت، در چندین کتاب معتبرش، حدیث غدیر را با چندین سند از صحابه بزرگ اهل سنت، با چند عبارت «من کنت مولاه فعلی مولاه، من کنت مولاه فهذا مولاه» نقل کرده است (ر.ک به: طبرانی، [بی تا]، «الف»، ج ۱، ص ۶۵ و ۷۱ / همو، [بی تا]، «ب»، ج ۱، ص ۱۱۲، ج ۲، صص ۲۴، ۲۷۵، ۳۲۴ و ۳۶۸، ج ۶، ص ۲۱۸ و ج ۷، ص ۷۰ / همو، [بی تا]، «ج»، ج ۲، ص ۳۵۷، ج ۳، ص ۱۷۹، ج ۴، ص ۱۷، ج ۵، صص ۱۶۶ و ۱۷۰، ج ۱۲، ص ۷۸ و ج ۱۹، ص ۲۹۱ / طبرانی، ۱۴۱۷ هـ ق، ج ۳، ص ۲۲۳).

۱۲. هیثمی (نورالدین) متوفای ۷۰۸ هـ در کتاب مجمع الزوائد و منبع الروائد، حدیث غدیر را با چندین سند، از ۲۹ نفر از صحابه بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ۳۳ حدیث بیان کرده است (هیثمی، [بی تا]، ج ۹، ص ۱۰۳-۱۰۹).

۱۳. حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ هـ در کتاب المستدرک حدیث غدیر را با دوازده سند، از ابوطیفیل و زید بن ارقم و با پنج سند از ابن واثقه و با نه سند از سعید بن جبیر از ابن عباس از بریده و با سه سند از یحیی بن جحده از زید بن ارقم ذکر کرده است و در پایان حدیث نوشته است: این حدیث، صحیح است (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۳، صص ۱۰۹، ۱۱۰ و ۵۳۳).

۱۴. ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ هـ در کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بعد از بیان فضائل و مناقب علی علیه السلام و نقل ده حدیث در این باب، به بیان حدیث غدیر می پردازد و می نویسد: این حدیث را ترمذی و نسائی نقل کرده اند و از طرق بسیاری روایت شده و ابن عقده در کتاب مفرد آن را به طور گسترده بیان کرده است و بسیاری از اسناد آن صحیح و حسن است و آن را از امام احمد بن حنبل روایت کرده و گفته است: آنچه در مورد علی علیه السلام گفته ایم، در مورد کسی از صحابه نگفته ایم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۵ هـ ق، ج ۷، ص ۶۱).

۱۵. ابن ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هـ از علمای بزرگ اهل سنت، در کتاب شرح نهج‌البلاغه، داستان غدیر را بعد از مسئله‌ی خلافت ابوبکر و عمر و عثمان بیان کرده و نظر امامیه را در مورد خلافت مطرح نموده است و از شریک بن عبدالله روایت کرده که دوازده نفر از صحابه پیامبر ﷺ شهادت دادند: در غدیر خم، پیامبر ﷺ دست علی را گرفت و فرمود: «من كنت مولیٰ فهذا علی مولاه» (ابن ابی‌الحدید، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۸۹، ج ۳، ص ۲۰۸، ج ۴، ص ۷۴، ج ۶، ص ۱۶۸، ج ۸، ص ۲۱، ج ۱۲، ص ۸۸).

ابن ابی‌الحدید همچنین داستان احتجاج علی با طلحه و زبیر و عایشه را در جنگ جمل بیان کرده است (همان، ج ۱۷، ص ۱۷۴) و گفته است: معاویه در یوم‌الغدیر حاضر بود، چون با مسلمانان در حجة‌الوداع بود (همان، ج ۱۸، ص ۲۴). در داستان رحبه در کوفه، علی فرمود: آیا شما جمله «من كنت مولاه فعلى مولاه» را نشنیدید؟ گروهی بر آن شهادت دادند. علی به انس بن مالک گفت: تو هم حاضر بودی، چرا شهادت ندادی؟ مالک گفت: ای امیرالمؤمنین! سن من زیاد شده و بسیاری از مطالب را فراموش کرده‌ام. حضرت فرمود: اگر دروغ گفتی، خداوند تو را بیضاء کند. در تاریخ ثبت شد که انس بن مالک به بیماری برص مبتلا شد (همان، ج ۱۹، ص ۲۱۷).

۱۶. واحدی نیشابوری (ابوالحسن علی بن احمد) متوفای ۴۶۸ هـ در اسباب نزول الایات، در ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ...» با شش سند از عطیه و ابوسعید خدری روایت کرده است: این آیه در روز غدیر خم در مورد حضرت علی نازل شده است (واحد نیشابوری، ۱۳۸۸ هـ ق، ص ۱۳۵).

۱۷. حاکم حسکانی (عبیدالله بن احمد) متوفای قرن پنجم در ذیل آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» گفته است: ابوهیره روایت کرده است: کسی که روز

۱۸ ذی‌الحجه روزه بگیرد، خداوند برای او شصت روز روزه می‌نویسد و ۱۸ ذی‌الحجه روز غدیر خم است که پیامبر ﷺ دست علیؑ را گرفت و فرمود: «من كنت مولاة فعلی مولاة». حسکانی، سپس بیش از ۲۶ روایت با اسناد متعدد از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ در مورد حدیث غدیر ذکر می‌کند که در نوع خود کم‌نظیر است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۳۵).

وی در ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ...» نیز احادیث بسیاری (بیش از هفت حدیث) از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است که این آیه شریفه نیز در روز غدیر خم در مورد علیؑ نازل شده است (همان، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۸). وی همچنین در ذیل آیه شریفه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» (معراج: ۷۰) به سند خویش از سفیان بن عیینه روایت می‌کند:

وقتی پیامبر اکرم ﷺ، علیؑ را در روز غدیر منصوب کرد، نعمان بن حرث فهری بر پیامبر ﷺ وارد شد و گفت: ما را به شهادت بر یگانگی خداوند و رسالت خودت و انجام نماز و روزه و جهاد و حج و زکات فرمان دادی و ما قبول کردیم تا اینکه این غلام را منصوب کردی و گفتی: «من كنت مولاة فهذا مولاة». آیا این سخن تو بود یا از سوی خداوند؟ حضرت فرمودند: از سوی خدا بود. سپس نعمان سه بار گفت: این جمله از خدا نیست و از نزد پیامبر ﷺ رفت و گفت: خداوندا، اگر این مطلب حق است و از طرف توست، بر ما سنگی از آسمان یا عذاب دردناکی به ما بده. سپس سنگی بر سرش فرود آمد و او را کشت و این آیه شریفه نازل شد.\* وی در ادامه این روایت، هشت حدیث در مورد غدیر خم نقل کرده است (همان، ج ۲، ص ۲۸۲-۳۹۲).

---

\*. این مطلب در تفسیر قرطبی، جلد ۱۸، صفحه ۲۷۸ نیز نقل شده است.

۱۸. ابن قتیبه دینوری متوفای ۲۷۶ هـ ق در کتاب *تاریخ الخلفاء* (الامامه و السیاسه) نقل می‌کند: مردی از همدان به نام «برد» بر معاویه وارد شد. دید عمرو بن عاص در مورد علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صحبت می‌کند. به عمرو گفت: بزرگان ما از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدند که فرمود: «من كنت مولاة فعلى مولاة». آیا این سخن درست است یا خیر؟ عمرو گفت: آری، این سخن درست است و من بر آن اضافه می‌کنم که مناقب هیچ یک از صحابه، مانند علی نیست. مرد همدانی به شهرش برگشت و گفت: علی بر حق است، از او تبعیت کنید (سپهر، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۲۹).

۱۹. جلال‌الدین سیوطی متوفای ۹۱۱ هـ ق از مفسران و محدثان بزرگ اهل سنت در تفسیر معروف *الدر المنثور* گفته است: ابن عساکر با سندش از ابوسعید خدری روایت کرده است: وقتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ را در روز غدیر خم بر ولایت منصوب کرد، جبرئیل نازل شد و آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» را تلاوت کرد (سیوطی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۵۹). وی در ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ...» نیز از ابوسعید خدری روایت می‌کند که این آیه شریفه در روز عید غدیر خم در مورد حضرت علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شده است (همان، ج ۲، ص ۲۹۸ و ج ۵، ص ۱۸۲).

۲۰. متقی هندی متوفای ۹۷۵ هـ ق در کتاب *کنز العمال بعد از نقل حدیث* نقلین، بیش از بیست حدیث، با چندین سند در مورد حدیث غدیر بیان کرده است (ر.ک به: متقی هندی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۹، ج ۵، ص ۲۹۰، ج ۱۱، صص ۳۳۳، ۳۳۴ و ۶۰۷-۶۰۸، ج ۱۳، صص ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۳۱-۱۳۴).

### سایر منابع

حدیث معروف و مشهور غدیر، در بسیاری از منابع معتبر به طور گسترده و مبسوط مطرح شده است. ما به جهت رعایت اختصار بیست مورد را با اندک توضیحی ذکر کردیم و در مورد سایر منابع، تنها به ذکر اجمالی آن اکتفا می‌کنیم که به شرح ذیل است:

۲۱. عبدالرزاق متوفای ۲۱۱ هـ ق در کتاب المصنف، ج ۱۱، ص ۲۵۵.
۲۲. محمد بن عاصم ثقفی اصبهانی متوفای ۲۶۲ هـ ق در کتاب جزء ابن عاصم، ص ۱۲۶.
۲۳. ابویعلی تمیمی متوفای ۳۰۷ هـ ق در کتاب مسند ابویعلی، ج ۱، ص ۴۲۹.
۲۴. ابن حماد دولابی متوفای ۳۱۰ هـ ق در کتاب الذریة الطاهرة، ص ۱۲۱.
۲۵. حمیری متوفای ۳۲۳ هـ ق در کتاب جزء الحمیری، ص ۳۴-۳۵.
۲۶. حسین بن اسماعیل محاملی متوفای ۳۳۰ هـ ق در کتاب امالی، صص ۸۵ و ۱۶۱.
۲۷. ابن حیان (علاءالدین علی بن حیان) متوفای ۷۳۹ هـ ق در کتاب صحیح ابن حیان، ج ۱۵، ص ۳۷۶.
۲۸. حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ هـ ق در کتاب معرفة علوم الحدیث، ص ۵.
۲۹. زرنندی حنفی متوفای ۷۵۰ هـ ق در کتاب نظم دُرر المسمطین، ص ۷۷.
۳۰. هیثمی متوفای ۸۰۷ هـ ق در کتاب موارد الظمان، ص ۵۴۳-۵۴۴.
۳۱. جلال‌الدین سیوطی متوفای ۹۱۱ هـ ق در کتاب الجامع الصغیر، ج ۲، صص ۱۷۸ و ۶۴۲.
۳۲. عبدالرئوف المناوی متوفای ۱۳۳۱ هـ ق در کتاب فیض القدیر، ج ۱، ص ۶۹ و ج ۶، ص ۲۸۲.

۳۳. عجلونی متوفای ۱۱۶۲ هـ ق در کتاب *كشف الخطاء و مزيل الالباس*، ج ۲، ص ۲۷۴.
۳۴. کنانی (محمد بن جعفر) متوفای ۳۴۵ در کتاب *نظم المتناثر من الحديث المتواتر*، ص ۱۹۴-۱۹۵.
۳۵. مغربی (احمد بن صدیق) متوفای ۱۳۸۰ هـ ق در کتاب *فتح الملك العلی*، ص ۱۵۴.
۳۶. عبدالدین محمد عمادی حسنی (معاصر) در کتاب *ارغام المبتدع*، ص ۵۸.
۳۷. حسن بن علی سقاف (معاصر) در کتاب *البشاره و الاتحاف*، ص ۲۸ و در کتاب *رفع شبهة التشبيه*، ص ۲۴۱.
۳۸. شیخ محمود ابوریه (معاصر) در کتاب *اضواء علی السنته المحمدیه*، ص ۲۱۷.
۳۹. علی بن محمد علوی (معاصر) در کتاب *رفع الارتیاب عن حدیث الباب*، صص ۳۳ و ۳۸.
۴۰. ابوجعفر نحات متوفای ۳۳۸ در کتاب *معانی القرآن*، ج ۲، ص ۳۲۵ و ج ۶، ص ۴۱۰.
۴۱. قرطبی (ابوعبدالله) متوفای ۶۷۱ هـ ق در کتاب *الجامعة الاحکام القرآن* (معروف به تفسیر قرطبی) ج ۱، ص ۲۶۶ و ج ۱۸، ص ۲۷۸.
۴۲. شوکانی (محمد بن علی) متوفای ۱۲۵۰ هـ ق در کتاب *فتح القدير*، ج ۲، ص ۶۰، ج ۴، ص ۲۶۳.
۴۳. امام فخر رازی متوفای ۶۰۶ هـ ق در کتاب *المحصل*، ج ۴، ص ۲۹۷.
۴۴. محمد بن سعد متوفای ۲۳۰ هـ ق در *طبقات الکبری*، ج ۵، ص ۳۲۰.
۴۵. عصفری (خلیفة بن خیاط) متوفای ۲۴۰ هـ ق در *تاریخ خلیفه*، ص ۳۶۱.



۴۶. بخاری (ابوعبدالله) متوفای ۲۵۶ در تاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۳۷۵، ج ۴، ص ۱۹۳ و ج ۶، ص ۲۴۱.
۴۷. محمد بن عمرو عقیلی مکی متوفای ۳۲۲ هـ در الضعفاء الکبیر، ج ۳، ص ۲۷۱.
۴۸. شیخ الاسلام رازی متوفای ۳۲۷ هـ در الجرح والتعديل، ج ۹، ص ۴۳۲.
۴۹. جوجانی (ابواحمد عبدالله بن عدی) متوفای ۳۶۵ هـ در الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۳، صص ۸۰ و ۲۵۶، ج ۴، صص ۱۲ و ۱۷۳، ج ۵، صص ۳۳ و ۱۲۲، ج ۶، صص ۸۲، ۲۱۶، ۳۵۰، ۳۸۱ و ۴۱۳.
۵۰. دارقطنی (علی بن عمر) متوفای ۳۸۵ هـ در العلیل الوارده، ج ۳، ص ۲۳۴ و ج ۴، ص ۹۱.
۵۱. خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳ هـ در تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۹۴، ج ۷، ص ۳۸۹، ج ۸، ص ۲۸۴، ج ۱۴، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.
۵۲. ابن عساکری متوفای ۵۷۱ هـ در تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، صص ۶۹ و ۷۰، ج ۱۸، ص ۱۳۸، ج ۲۵، ص ۱۰۸، ج ۲۶، ص ۴۲۸، ج ۳۸، ص ۴۱۴، ج ۴۲، ص ۱۰۰ - ۱۰۲، ج ۴۵، ص ۳۴۴.
۵۳. ابن اثیر متوفای ۶۳۰ هـ در اسد الغابه، ج ۱، صص ۳۰۸ و ۳۶۸، ج ۲، ص ۲۳۲، ج ۳، صص ۹۲، ۹۳ و ۱۱۴، ج ۳، صص ۲۷۴ و ۳۰۷، ج ۴، ص ۲۸، ج ۵، صص ۴، ۲۰۵، ۲۷۶ و ۳۸۳.
۵۴. ابن بخار بغدادی متوفای ۶۴۳ هـ در ذیل تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۰.
۵۵. مزی (ابوحجاج) متوفای ۷۴۲ هـ در تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۴۴۱.
- اینها، تنها بخشی از منابع مشهور و معتبر اهل سنت است که حدیث غدیر را بیان کرده‌اند و به توضیح و تفسیر آن پرداخته‌اند. برخی از نویسندگان آن، با

احترام و تمجید از آن گذشته‌اند و برخی دیگر به نقد و بررسی آن اکتفا کرده‌اند و جمعی نیز آن را از احادیث متواتر و مشهور دانسته‌اند و گروهی آن را از احادیث کم‌نظیر و نادر قلمداد کرده‌اند و بعضی آن را از مناقب علی علیه السلام شمرده‌اند که کسی از صحابه با آن برابری نمی‌کند و تعدادی آن را از حوادث نادر جهان اسلام که غیر قابل انکار است، معرفی کرده‌اند.

صحابه‌ای که حدیث غدیر، به طُرق متعدد از آنان نقل شده است، از صحابه معروف و راویان بنام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند که غبار و تردیدی در آن نیست. بسیاری از دانشمندان، این حدیث را، نه تنها با یک سند، بلکه با چندین سند معتبر نقل کرده‌اند.

ناقلان حدیث غدیر نیز از گروه‌های متعددی هستند. برخی از آنان از محدثان بزرگ اهل سنت و از نویسندگان صحاح سته، بعضی از آنان از مفسران معروف و مشهور و گروهی از آنان از فقهای بنام و پرآوازه، و از امامان فرقه‌های چهارگانه اهل سنت و جمعی، از مورخان مشهور و صاحب‌نام بوده‌اند.

آیا با وجود این همه مواردی که حدیث غدیر از ناحیه اهل سنت و کسانی که اعتقاد به امامت بلافصل علی علیه السلام ندارند، نقل شده است، می‌توان در اصل حادثه غدیر و حدیث غدیر تردید و اشکال کرد؟! آیا می‌توان با توجیهاط سطحی، حقایق غدیر را مخفی کرد؟ حقیقتی که به قدمت تاریخ اسلام، بلند و طولانی است و بر تارک زرین آن همچون نوری می‌درخشد؟ آیا می‌توان مظلومیتی بالاتر از مظلومیت علی علیه السلام سراغ گرفت؟

الحق علی علیه السلام شخصیتی بزرگ و بی‌نظیر است که در عین خفاء، آشکار و در عین آشکاری، مخفی است؛ با اینکه بسیاری از حاکمان و خلفا، تلاش فراوانی در محو و نابودی نام علی علیه السلام داشته‌اند و در طور تاریخ، قوانین و مجازات سنگین و سختی برای آن تدوین کرده‌اند، ولی با این همه، نام او پرآوازه‌ترین نام‌ها و خاطره

او برترین خاطره‌ها بوده و هست.

در پایان این سؤال پیش می‌آید که: چرا با وجود این همه روایت در منابع متعدد، اهل سنت به ولایت علی علیه السلام رضایت ندادند و آن حضرت را خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی نکرده‌اند؟

هدف ما در این گفتار، بررسی حدیث غدیر در منابع معتبر اهل سنت و بررسی دلالت آن بوده است که انشاءالله در گفتاری دیگر تحقیق و تحلیل خواهد شد؛ با این همه باید به این نکات توجه داشت که:

اولاً: بسیاری از صحابه بزرگ و معتمد پیامبر بزرگ اسلام چون سلمان، ابوذر، مقداد و جابر بن عبدالله انصاری و... مطابق حدیث غدیر عمل کرده‌اند و بر خلافت و ولایت آن حضرت رضایت دادند.

ثانیاً: هیچ‌گاه انکار، دلیل نفی و نبود نمی‌تواند باشد؛ همان طور که انکار خداوند دلیل بر نبود خداوند نیست.

علاوه بر آن، حتی در امور بدیهی نیز افرادی منکر آن می‌باشند. نمونه آن انکار سوفسطائیان بر وجود جهان است؛ لذا انکار، هیچ‌گاه دلیل بر حقیقت و صحت و یا نفی آن نخواهد بود.

ثالثاً: اغراض و اهداف سیاسی و توجه به منافع شخصی و قبیله‌ای در طول تاریخ سبب بسیاری از انکارها بوده است. با کدام دلیل و مدرک معتبر، مشرکان و کافران منکر پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام شدند؟ با کدام سند مردم شام، علی علیه السلام را سب و لعن می‌کردند؟ با کدام دلیل مردم کوفه و شام حسین بن علی علیه السلام را خارجی خواندند و او را با ۷۲ یار وفادار با بدترین روش در کربلا شهید کردند؟ با کدام مدرک جسد حسن بن علی علیه السلام را تیرباران کردند؟ و صدها سؤال دیگر که بررسی آن از این بحث خارج است و انشاءالله در گفتاری دیگر به بررسی آن خواهیم پرداخت.

## نتیجه

یکی از جمله حوادث مهم و بارز و ماندگار که در اواخر عمر پیامبر گرامی اسلام ﷺ رخ داده است، حادثه غدیر خم بود که منشأ بسیاری از حوادث بعدی شد. گویی حادثه غدیر، حادثه‌ای بس عظیم و بزرگ بوده است که با درخشش آن، تحولی بزرگ در انقلاب کبیر پیامبر اسلام ﷺ ایجاد شده است.

حادثه غدیر خم، نه تنها در منابع معتبر شیعه به طور گسترده آمده است، بلکه در منابع معتبر اهل سنت نیز به طور مبسوط توسط بسیاری از عالمان بزرگ اهل سنت ذکر شده است. دانشمندان بزرگ سنی که حادثه غدیر را بیان کرده‌اند، از گروه‌های مختلف بوده‌اند. برخی از آنان محدث و بعضی مورخ و گروهی مفسر و جمعی سیره‌نویس و تعدادی از اهل لغت و بخشی از فقهای بزرگ بوده‌اند؛ لذا فقط از یک طبقه و یک گروه، حادثه غدیر را نقل نکرده‌اند و از آن، این مطلب به دست می‌آید که حادثه غدیر، علی‌رغم دشمنی‌های فراوان گروهی از افراد لجوج و کم‌خرد، آن قدر حادثه مهم و مورد توجه عام و خاص بوده است که گروه‌های مختلف علما آن را بیان کرده‌اند. ما در این گفتار بیش از پنجاه منبع معتبر و دست اول از منابع اهل سنت را که حادثه غدیر در آن مطرح شده است، آورده‌ایم.

اینها، تنها بخشی از منابع مشهور و معتبر اهل سنت است که حدیث غدیر را بیان کرده‌اند و به توضیح و تفسیر آن پرداخته‌اند. برخی از نویسندگان آن، با احترام و تمجید از آن گذشته‌اند و برخی دیگر به نقد و بررسی آن اکتفا کرده‌اند و جمعی نیز آن را از احادیث متواتر و مشهور دانسته‌اند و گروهی آن را از احادیث کم‌نظیر و نادر قلمداد کرده‌اند و بعضی آن را از مناقب علی ع شمرده‌اند که کسی

از صحابه با آن برابری نمی‌کند و تعدادی آن را از حوادث نادر جهان اسلام که غیر قابل انکار است، معرفی کرده‌اند. صحابه‌ای که حدیث غدیر به طرق متعدد از آنان نقل شده است، از صحابه معروف و راویان بنام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند که غبار و تردیدی در آن نیست. بسیاری از دانشمندان، این حدیث را، نه تنها با یک سند، بلکه با چندین سند معتبر نقل کرده‌اند.

## منابع

### \* القرآن كريم

١. آمدی، علی بن محمد؛ الاحكام؛ بيروت: مؤسسه النور، ١٣٨٧ ق.
٢. ابن ابی الحديد؛ شرح نهج البلاغه؛ بيروت: دار احیاء الكتب العربيه، [بی تا].
٣. ابن ابی شيبه کوفی؛ المصنف؛ بيروت: دارالفکر، [بی تا].
٤. ابن اثیر، علی؛ اسد الغابه؛ تهران: اسماعيليان، [بی تا].
٥. ابن الجارود نیشابوری؛ المتقى؛ بيروت: مؤسسه الكتب الثقافيه، [بی تا].
٦. ابن الدمياطي، المستفاد؛ بيروت: دارالكتب العلميه، [بی تا].
٧. ابن حبان، عبدالله؛ البدايه و النهايه؛ بيروت: دارالحياء التراث العربی، [بی تا].
٨. \_\_\_\_\_؛ تقريب التهذيب؛ بيروت: دارالمكتبة العلميه، ١٩٩٥ م.
٩. \_\_\_\_\_؛ تهذيب التهذيب؛ بيروت: دارالفکر، ١٩٨٤ م.
١٠. \_\_\_\_\_؛ طبقات المحدثين؛ بيروت: مؤسسه الرساله، ١٩٩٢ م.
١١. \_\_\_\_\_؛ غريب الحديث؛ بيروت: دارالكتب العلميه، [بی تا].
١٢. ابن حبان، علی بن بليانی؛ صحيح ابن حبان؛ الطبعة الثانيه، [بی تا]، [بی تا]، ١٩٩٣ م.
١٣. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدين؛ فتح الباری؛ بيروت: دارالمعرفه، [بی تا].
١٤. ابن حزم، ابومحمد علی؛ الفصل فی الملل والاهواء؛ بيروت: [بی تا]، [بی تا].
١٥. ابن خلدون؛ تاريخ ابن خلدون؛ بيروت: مؤسسه الاعلمی، [بی تا].
١٦. ابن خلکان، احمد بن محمد؛ وفيات الاعيان؛ بيروت: داراحیاء التراث العربی، ١٣٩٧ م.
١٧. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الكبرى؛ بيروت: دار صادر، [بی تا].
١٨. ابن عساکر، ابوالقاسم؛ تاريخ مدينه دمشق؛ بيروت: دارالفکر، ١٩٩٥ م.
١٩. ابن قتیبه دینوری؛ الامامة و السياسة؛ قم: شريف رضى، [بی تا].
٢٠. ابن کثير، اسماعيل؛ تفسير القرآن الكبير؛ بيروت: دارالمعرفه، ١٩٩٢ م.
٢١. ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوینی؛ سنن ابن ماجه؛ بيروت: دارالفکر، [بی تا].
٢٢. ابن نجار، محمد؛ ذيل تاريخ بغداد؛ بيروت: دارالكتب العلميه، [بی تا].
٢٣. ابن هشام، محمد؛ سيرة النبي؛ مصر: مكتبة محمد، [بی تا].

۲۴. ابن مزاحم منقری، نصر؛ *واقعة الصّفين*؛ قاهر: مدنی، [بی تا].
۲۵. ابی داوود، ابن اشعث؛ *سنن ابی داوود*؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۲۶. احمد بن حنبل؛ *فضائل الصحابة*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۲۷. \_\_\_\_\_؛ *مسند احمد*؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].
۲۸. اسکافی، ابوجعفر؛ *المعیار و الموازنه*؛ قم: تحقیق محمدباقر محمودی، [بی تا].
۲۹. اصفهانی، ابی نعیم؛ *ذکر اخبار اصبهان*؛ لیدن: بریل، ۱۹۳۴ م.
۳۰. البانی، محمد ناصر؛ *ارواء الغلیل*؛ بیروت: مکتب الاسلامی، [بی تا].
۳۱. امینی، عبدالحسین (علامه)؛ *الغدیر*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۷۹ ق.
۳۲. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *تاریخ الکبیر*؛ دیاربکر: مکتبۃ الاسلامیه، [بی تا].
۳۳. بلاذری، احمد؛ *انساب الاشراف*؛ بیروت: مؤسسۃ العلمی، [بی تا].
۳۴. \_\_\_\_\_؛ *فتوح البلدان*؛ مصر: لجنة البیان العربی، [بی تا].
۳۵. بیهقی، ابوبکر؛ *سنن الکبیر*؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۳۶. ترمذی، محمد بی عیسی؛ *سنن ترمذی*؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۳۷. حاجی خلیفه؛ *کشف الظنون*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۸. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد؛ *شواهد التنزیل*؛ ایران: مجمع احیاء الثقافۃ الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ *المستدرک*؛ بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۴۰. \_\_\_\_\_؛ *معرفة علوم الحدیث*؛ بیروت: دارالافتاح الجدید، [بی تا].
۴۱. حموی، یاقوت؛ *معجم البلدان*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۹ م.
۴۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ *تاریخ بغداد*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۴۳. خلیفه بن خیاط؛ *الطبقات*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۳ م.
۴۴. دارقطنی، علی بن عمر؛ *سنن الدار قطنی*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۴۵. دارمی، عبدالله عمر بن بهرام؛ *سنن دارمی*؛ دمشق: باب البرید، ۱۳۴۹ ق.
۴۶. دینوری، ابن قتیبہ؛ *تأویل مختلف الحدیث*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۴۷. ذہبی، ابوعبدالله؛ *تذکرۃ الحفاظ*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

٤٨. \_\_\_\_\_؛ *سیر اعلام النبلاء*؛ بیروت: مؤسسه الرساله، [بی تا].
٤٩. رازی، محمد بن عمر؛ *المحصل*؛ مؤسسه الرساله، [بی تا].
٥٠. زراری، ابوغالب؛ *تاریخ آل زراره*؛ [بی جا]، چاپ ربانی، [بی تا].
٥١. زرنندی حنفی، محمد بن یوسف؛ *نظم در المسمطین*؛ اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین، [بی تا].
٥٢. زیلعی، جمال‌الدین؛ *نصب الرايه*؛ قاهره: دارالحديث، [بی تا].
٥٣. سپهر، محمدتقی، *تاریخ الخلفاء*؛ ایران: اسلامیه، ١٣٨٤.
٥٤. سقاف، حسن بن علی؛ *البشارة و الاتحاف*؛ عمان: دار الامام النووی، [بی تا].
٥٥. \_\_\_\_\_؛ *دفع شبه التشبيه*؛ عمان: دار الامام النووی، [بی تا].
٥٦. سیوطی، جلال‌الدین؛ *الجامع الصغير*؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
٥٧. \_\_\_\_\_؛ *الدرا المنثور*؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
٥٨. شوکانی، محمد بن علی؛ *فتح القدير*؛ [بی جا]، عالم الکتب، [بی تا].
٥٩. صنعانی، عبدالرزاق؛ *تفسیر القرآن الکریم*؛ ریاض: مکتبه الرشد، [بی تا].
٦٠. ضحاک، ابن ابی عاصم؛ *اللاحاد و المثنای*؛ ریاض: دارالدرايه، [بی تا].
٦١. \_\_\_\_\_؛ *السنه*؛ چ دوم، بیروت: مکتبه الاسلامیه، ١٤١٢ ق.
٦٢. طبرانی، ابوالقاسم، سلیمان بن احمد؛ *المعجم الاوسط*؛ مصر: دارالحرمین، [بی تا].
٦٣. \_\_\_\_\_؛ *المعجم الصغير*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
٦٤. \_\_\_\_\_؛ *المعجم الكبير*؛ الطبعة الثانيه، مصر: دارالحرمین، [بی تا].
٦٥. \_\_\_\_\_؛ *مسند الشامین*؛ تحقیق عبدالمجید سلفی؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٧ ق.
٦٦. طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ طبری*؛ لیدن: بریل، [بی تا].
٦٧. \_\_\_\_\_؛ *جامعة البيان*؛ بیروت: دارالفکر، ١٤١٥ ق.
٦٨. طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرين*؛ [بی جا]، مکتب النشر، الثقافه، ١٤٠٨ ق.
٦٩. طیالسی، ابی داوود؛ *مسند ابی داوود*؛ دارالحديث، بیروت، [بی تا].
٧٠. عصفری، ابن خیاط؛ *تاریخ خلیفه*؛ بیروت: دارالفکر، ١٩٩٣ م.



۷۱. عقیلی، محمد بن عمر؛ **ضعفاء الكبير**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۷۲. علوی، علی بن محمد؛ **دفع الارتباب عن حدیث الباب**؛ [بی جا]، دارالقرآن الکریم، [بی تا].
۷۳. کنانی، محمد بن جعفر؛ **نظم المتناثر**؛ مصر: دارالکتب السلفیه، [بی تا].
۷۴. کوفی، ابوالقاسم؛ **الاستغاثه**؛ [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۷۵. مبارکفوری؛ **تحفة الاحوزی**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۷۶. متقی هندی؛ **کنز العمال**؛ بیروت: مؤسسه الرساله، [بی تا].
۷۷. محاملی، حسین؛ **امالی**؛ اردن: مکتبه الاسلامیه، [بی تا].
۷۸. مزی، یوسف؛ **تهذیب الکتب**؛ بیروت: مؤسسه الرساله، [بی تا].
۷۹. مسعودی؛ **التنبیه و الاشراف**؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۸۰. مغربی، احمد بن محمد؛ **فتح الملک العلی**؛ اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین، [بی تا].
۸۱. مناوی، عبدالرؤف؛ **فیض القدر**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۸۲. موصلی، ابویعلی؛ **مسند ابویعلی**؛ دمشق: دارالمأمون، [بی تا].
۸۳. نسائی، احمد بن شعیب؛ **خصایص امیرالمؤمنین علی**؛ تحقیق امینی؛ [بی جا]، مکتبه نینوی الحدیثیه، [بی تا].
۸۴. \_\_\_\_\_؛ **سنن نسائی**؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۸۵. نووی؛ **شرح مسلم**؛ بیروت: دارالکتب العربی، [بی تا].
۸۶. نیشابوری، مسلم؛ **صحیح مسلم**؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۸۷. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ **اسباب النزول**؛ قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکاء، ۱۳۸۸ ق.
۸۸. هیثمی، ابن حجر؛ **الصواعق المحرقه**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۸۹. هیثمی، نورالدین؛ **مجمع الزوائد**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۹۰. یعقوبی، احمد؛ **تاریخ الیعقوبی**؛ قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [بی تا].